

چکیده پژوهش‌های روانشناسی کاربردی

Applied Psychology Research Abstracts

به منظور فراهم آمدن زمینه پژوهش‌های روانشناختی در این بخش چکیده تازه‌ترین پژوهش‌های روانشناختی در قلمرو روانشناسی کاربردی معرفی می‌شوند.

آنچه برای گاز ماده خوب است برای غاز نر ممکن است خوب نباشد: فواید خود - نظارت‌گری برای مردان و زنان در کار گروهی و تعارض‌های دوگانه

Flynn, F., J., & Ames, D. R. (2006). What's good for the goose may not be as good for the gander: The benefits of self-monitoring for men and women in task groups and dyadic conflicts. *Journal of Applied Psychology*, 91(2), 272-281.

محققان فرض می‌کنند که زنان می‌توانند بر خود - نظارت‌گری برای غلبه بر افکار قالبی منفی در مورد جنس در برخی از چهارچوب‌های کارآمدی تکیه کنند. در مطالعه کار گروهی هر دو جنس، محققان دریافتند که اعضای گروه مؤنث که خود - نظارت‌گرهایی قوی بودند بیش از زنانی که نظارت‌گرهای ضعیفی بودند به عنوان افرادی بانفوذتر و باارزستر مورد توجه قرار گرفتند. مردان نسبتاً کمتر از رفتار خود - نظارت‌گری سود بردند. در یک مطالعه تجربی در مورد بحث‌های دو طرفه، نویسندگان دریافتند زنانی که خود - نظارت‌گرهای قوی‌ای بودند بهتر از زنانی که خود - نظارت‌گرهای ضعیفی بودند عمل کردند، بویژه زمانی که آنها در مورد گروه ثابتی از منابع بحث می‌کردند، در حالی که مردان به همان اندازه از خود نظارت‌گری سود نمی‌بردند. تحلیل‌های بعدی این مسأله را مطرح کردند که خود - نظارت‌گری زنان، رفتارشان را در این بحث‌ها اصلاح می‌کند، در حالی که مردان و زنان خود - نظارت‌گر ضعیف، رفتارشان را اصلاح نمی‌کنند.

درک جنبه‌های هیجانی افزایش تعهد: نقش عاطفه منفی

Wong, K., Fai, E., Yik, M., & Kwong, J. Y. Y. (2006). Understanding the emotional aspects of escalation of commitment: The role of negative affect. *Journal of Applied Psychology*, 91 (2), 282-297..

به رغم اهمیت درک جنبه‌های هیجانی تصمیم‌گیری سازمانی، پژوهش‌های پیشین توجه اندکی به نقش هیجان در افزایش تعهد کرده‌اند. هدف این مقاله پرکردن این خلاء براساس بررسی ارتباط بین عاطفه منفی و افزایش تعهد است. نتایج نشان دادند که صرف نظر از اینکه عاطفه منفی به عنوان یک رگه خلقی (روان‌آزردگی) در مطالعه ۱ و ۲ یا به عنوان یک حالت خلقی گذرا در مطالعه ۳، اندازه‌گیری شود، با گرایش افزایش تعهد در مواقعی که فرد شخصاً مسؤول تصمیم‌گیری پیشین بوده است، همبستگی منفی دارد. این نتایج که با پیش‌بینی‌های حاصل از دیدگاه مقابله‌ای هماهنگ‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که افراد در جستجوی راهی برای گریز از هیجان‌های ناخوشایندی هستند که با موقعیت‌های افزایش تعهد همراهند.

ویژگیهای شغلی و فعالیتهای غیرشغلی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های نیاز به بهبودی، بهزیستی و خستگی

Sonnetage, S., & Zijlstra, F. R. H. (2006). Job characteristics and off-job activities as predictors of need for recovery, Well Being, and Fatigue. *Journal of Applied Psychology*, 91 (2), 330-350.

دو مطالعه تجربی، نیاز به بازیابی (برای مثال تمایل شخصی به رهایی موقت از خواسته‌ها برای بازیابی مجدد منابع درونی) به عنوان یک مداخله‌گر در ارتباط بین ویژگیهای شغلی ضعیف (خواسته‌های شغلی بالا، کنترل شغلی پایین) و خواسته‌های غیرشغلی بالا از یک سو و خستگی و بهزیستی ضعیف فردی از سوی دیگر را بررسی کرد. داده‌های چند سطحی از یک بررسی زمینه‌یابی روزانه در بخش خدمات بهداشتی (مطالعه ۱) نشان دادند که خواسته‌های شغلی بالا، کنترل شغلی پایین و فعالیتهای غیرشغلی نامطلوب، نیاز بالا به بازیابی را پیش‌بینی می‌کنند. نیاز به بازیابی به نوبه خود با بهزیستی فردی ارتباط منفی داشت. یک زمینه‌یابی با مقیاس وسیع در یک نمونه معرف از جمعیت کارگران آلمانی (مطالعه ۲) نیز این یافته‌ها را در مورد خستگی تأیید کرد. در هر دو مطالعه، نیاز به بازیابی، واسطه آثار ویژگیهای شغلی و فعالیتهای غیر شغلی بر خستگی و بهزیستی ضعیف بود.

اثر بازخوردهای ارائه‌دهنده خدمات و وضعیت استخدامی بر رفتار شهروندی و بازخوردهای مشتریان و صداقت رفتاری

Payne, S. C. , & Webber, S. S. (2006). Effects of service provider attitudes and employment status on citizenship behaviors and customers' attitudes and loyalty behavior. *Journal of Applied Psychology*, 91 (2), 365-378.

ارتباط بین رضایت شغلی، تعهد عاطفی، خدمات اختصاص یافته به رفتارهای سازمان شهروندی (OCBs)، رضایت مشتری، و صداقت مشتری در یک نمونه ۲۴۹ آرایشگر و یکی از مشتریانانشان بررسی شد. رضایت کارکنان با سازماندهی خدمات، رضایت و صداقت مشتری رابطه مثبت داشت، در حالی که تعهد عاطفی با این نتایج مرتبط نبود. گستره‌ای از متغیرهای پیش‌بین که با یکدیگر تعامل داشتند و نقش وضعیت استخدامی با این ارتباطها نیز کشف شدند. سطوح بالای رضایت شغلی با تعهد عاطفی ناشی از جهت‌گیری خدمات، برای کارمندان و کارگران مستقل بود، در حالی که سطوح بالای هر دو عامل فوق ناشی از جهت‌گیری بیشتر سازمانی رفتار شهروندان نسبت به مالکان بود.

تعامل مهارت اجتماعی و حمایت سازمانی بر عملکرد شغلی

Hochwarter, W. A., Witt, L. A., Treadway, D. C., Ferris, G. R. (2006). The interaction of social skill and organizational support on job performance. *Journal of Applied Psychology*, 91 (2), 482-489.

تحقیق حاضر اثر تعدیل‌کننده حمایت سازمانی ادراک شده (POS) را بر ارتباط بین مهارت اجتماعی و عملکرد شغلی ارزیابی شده توسط سرپرست، بررسی کرد. بر اساس الگوهای فعال‌کننده و نظم‌دهنده رفتار، محققان فرض کردند که محیط‌های حمایتی سازمانی پایین، مهارت اجتماعی را فعال می‌کنند چون منعکس‌کننده موقعیتهایی هستند که در آنها تواناییهای بین شخصی برای اثبات عملکرد شغلی مؤثر مورد نیاز است. براین اساس محققان فرض کردند که مهارت اجتماعی با کارآمدی کارگرانی که سطوح پایین حمایت اجتماعی را بیش از سطوح بالای حمایت سازمانی گزارش می‌کنند بیشتر است. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری تعدیل شده سلسله مراتبی داده‌های جمع‌آوری شده از ۲ نمونه، فرضیه را تأیید کرد. این نتایج مبین این نکته‌اند که رابطه مهارت اجتماعی با عملکرد شغلی احتمالاً به سرنخهای محتوایی وابسته است. نیاز به پژوهش بنیادی، نقاط قوت و محدودیتهای راهبردی برای پژوهشهای بعدی پیشنهاد شده‌اند.

اثر نقش‌های چندگانه بر پیامدهای تنیدگی مراقبت‌کننده

Bainbridge, H. T. J. و Cregan, Ch., & Kulik, C. T. (2006). The effect of multiple roles on caregiver stress outcomes. *Journal of Applied Psychology*, 91 (2), 490-497.

برخی از مراقبت‌کنندگان منحصراً بر نقش مراقبت کردن متمرکزند و برخی دیگر کوشش می‌کنند تا بین مسؤولیت‌های مراقبت با اشتغال بیرون از منزل تعادل برقرار سازند. در این پژوهش فرضیه‌های متناقض درباره پیامد غوطه‌وری شدید در یک نقش حرفه‌ای بر تنیدگی افرادی که از یک معلول مراقبت می‌کنند بررسی شده است. از داده‌های زمینه‌یابی ملی برای آزمون ارتباط ساعتهای کار با پیامدهای تنیدگی مراقبت‌کننده استفاده کردند و همچنین میزان تعدیل ارتباط بین نوع معلولیت با ساعتهای کار و پیامدهای تنیدگی را بررسی کردند. نتایج نشان دادند که صرف زمان بیشتر برای انجام یک کار، اثری بر پیامدهای تنیدگی مراقبت‌کننده ندارد. در حالی که مراقبت‌کنندگانی که از یک معلول ذهنی مراقبت می‌کنند در صورتی که ساعتهای بیشتری را به کار در خارج از منزل اشتغال داشته باشند پیامدهای تنیدگی آنها به طور معناداری کمتر است.

شخصیت فعال و جستجوی موفقیت‌آمیز شغل: یک تحقیق زمینه‌ای با فارغ‌التحصیلان دانشگاه

Brown, D. J., Cober, R. T., Kane, K., Levy, P. E., & Shalhoop, J. (2006). Proactive personality and the successful job search: A field investigation with college graduates. *Journal of Applied Psychology*, 91 (3), 717-726.

در این پژوهش یک الگوی شخصیت فعال و جستجوی موفق شغل با نمونه ۱۸۰ نفری از دانشجویان فارغ‌التحصیل دانشگاه آزمون شد. با استفاده از الگوی معادله ساختاری، محققان یک الگوی نظری را که رابطه بین شخصیت فعال، خود - کار آمدی جستجوی شغل، رفتارهای جستجوی شغل، کوشش جستجوی شغل و پیامدهای جستجوی شغل را مشخص می‌کرد، آزمایش کردند. افرادی که در جستجوی شغل بودند در دو زمان جداگانه، یک بار ۳-۴ ماه پیش از فراغت از تحصیل و یک بار ۳-۲ ماه پس از فراغت از تحصیل مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان دادند که شخصیت فعال (الف) به صورت معنادار بر موفقیت جستجوی شغلی فارغ‌التحصیلان دانشگاه اثر می‌گذاشت، (ب) بخشی از خود - کار آمدی جستجوی شغل و رفتار جستجوی شغل را تعدیل می‌کرد، و (ج) مستقل از حرمت خود و هشیاری بود. یافته‌ها با توجه به استدلزامهای کلی آنها برای درک ماهیت فرایندی که در خلال آن عوامل مختلف شخصیت مانند شخصیت فعال بر ماهیت و موفقیت در جستجوی شغل اثر می‌کنند مورد بحث قرار گرفتند.

تفحص در معمای وابستگی بین شخصی: هدفهای دلبستگی و کاربرد هنجارها با افراد بالقوه نزدیک

Bartz, J. A., & Lydon, J.E. (2006). Navigating the interdependence dilemma: Attachment goals and the use of communal norms with potential close others. *Journal of Personality and Social Psychology*, 91 (1), 77-96.

در این پژوهش، دلبستگی در چهارچوب تحول ارتباطی بر اساس چهار آزمون بررسی شد. افراد واجد دلبستگی اضطرابی عمدتاً از هنجارهای متداول سود می‌جستند و از کاربرد مبادله هنجارها در تعامل با یک فرد بالقوه نزدیک، اجتناب می‌کردند. مع‌هذا، وقتی یک فرد بالقوه نزدیک از هنجارهای متداول استفاده می‌کرد، افراد مضطرب، اضطراب بین شخصی بیشتری را تجربه می‌کردند. همچنین افراد مضطرب از رفتارهای متداول جدا از هم برای متمایز کردن ارتباط بالقوه سود می‌جستند. بالعکس، افراد ایمن، در موقعیتهای بالقوه متداول، احساس راحتی بیشتری داشتند. افزون بر این، افکار ضمنی درباره میزان نزدیکی در افراد ایمن با بهبود کارآمدی در تمرکز همراه بود، در حالی که چنین افکاری به کاهش کارآمدی

افراد مضطرب منتهی می‌شد. بالاخره، افراد اجتنابی به افراد بالقوه نزدیک که از هنجارهای متداول استفاده می‌کردند و انگیزه‌های ارتباطی در رفتارهای متداول دیگران را کوچک می‌شمردند، علاقه‌مند نبودند.

خوش‌بینی در روابط نزدیک: چگونه دیدن مسایل در نور مثبت آنها را مثبت می‌کند.

Srivastava, S., McGonigal, K. M., Richards, J. M., Butler, E. S., & Gross, J. J. (2006). Optimism in close relationships: How seeing things in a positive light makes them so. *Journal of Personality and Social Psychology*, 91 (1), 143-153.

آیا انتظار پیامدهای مثبت بویژه در قلمروهای مهم زندگی مانند برقراری روابط، احتمال پیامدهای مثبت را افزایش می‌دهد؟ در یک بررسی طولی در باره روابط در خلال دوره‌ی نامزدی، محققان به آزمون این مسأله پرداختند که آیا افراد خوش‌بین (که زمینه‌شناختی انتظار پیامدهای مثبت را دارند) و نامزدهایشان، از روابط خود راضی‌ترند و اگر اینطور است، آیا این رضایت ناشی از این است که افراد خوش‌بین احساس حمایت‌شدگی بیشتری دارند؟ نتایج نشان دادند که هم افراد خوش‌بین و هم نامزدهای آنها از روابط خویش‌تر رضایت بیشتری داشتند؛ رضایتی که به واسطه خوش‌بینی، احساس حمایت بیشتری را به وجود می‌آورد. وقتی بین این نامزدها تعارض ایجاد می‌شد، خوش‌بینها و نامزدهایشان هر کدام دیگری را به عنوان فردی می‌دیدند که واجد سازندگی بیشتر بود و همین امر به نوبه خود، این احساس را در هر دو به وجود می‌آورد که هفته بعد، این تعارض بهتر حل می‌شود. در یک پیگیری یکساله، خوش‌بینی مردان وضعیت ارتباط را پیش‌بینی کرد. آثار خوش‌بینی واسطه ادراک حمایت بود؛ حمایتی که به افزایش انواع فرایندهای سودمند در روابط احساسی منجر شد.

فرایندهای خود‌نظم‌جویی به منزله دفاع علیه تهدید مرگ: آثار کاهش مهار خود و رگه مهار خود در افکار و ترسهای مرتبط با مرگ

Gailiot, M. T., Schmeichel, B. J., & Baumeister, R. F. (2006). Self-regulatory processes defend against the threat of death: Effects of self-control depletion and trait self-control on thoughts and fears of dying. *Journal of Personality and Social Psychology*, 91 (1), 49-62.

۹ بررسی ($n = 979$) نشان دادند که غلبه بر تهدید مرگ نیازمند خود‌نظم‌جویی است. هم رگه و هم حالت توانایی مهار خود، تعدیل‌کننده میزانی است که افراد فکر و اضطراب مرتبط با مرگ را تجربه می‌کنند. کسب اطلاعات در مورد مرگ، به کاهش اضطراب در شرکت‌کنندگانی که دارای مهار خود بالا (در برابر پایین) بودند، منجر شد. احتمال ادراک موضوعهای مرتبط با مرگ در صحنه‌های مبهم کمتر و با جهان‌بینی دفاعی کمتری در برابر قاطع بودن مرگ، همراه بود. افزون بر آن، مقابله با فکر مرگ، فرد را به سوی خستگی از خود‌نظم‌جویی سوق داد. پس از نوشتن درباره مرگ در مقابل یک قلمرو مهارگری، شرکت‌کنندگان در بسیاری از سنجشهای مرتبط با خود‌نظم‌جویی که با مرگ مرتبط بودند به نتایج بدتری دست یافتند. این نتایج القا می‌کنند که خود‌نظم‌جویی، مکانیزم درون-روانی اصلی در تسکین افکار و احساسهای ناراحت‌کننده درباره فناپذیری است.